

ابن جزری، محمد بن محمد، تحبیر التیسیر، بیروت، دار الکتب العلمیة؛ همو، غایة النهایة، به کوشش برگشترس، قاهره، ۱۳۵۱/۱۹۳۲م؛ همو، النثر، به کوشش علی محمد الضباع، قاهره، کتابخانه مصطفی محمد؛ ابن حبان، محمد، الثقات، حیدرآباد دکن، ۱۴۰۲/۱۹۸۲م؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، تهذیب التهذیب، حیدرآباد دکن، ۱۳۲۶ق؛ ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق (عبادة بن اوفی - عبدالله بن نوب)، به کوشش شکری فیصل و دیگران، دمشق، ۱۴۰۲/۱۹۸۲م؛ ابن ماجه، محمد بن یزید، السنن، به کوشش محمد فؤاد عبدالباقی، قاهره، ۱۹۵۴م؛ ابن ماجه، احمد بن موسی، السیعة، به کوشش شیوخ ضیف، قاهره، ۱۹۷۲م؛ ابن مهران، احمد بن حسین، المیسوط، به کوشش سیح حمزة حاکمی، دمشق، ۱۴۰۷/۱۹۸۶م؛ اندرابی، احمد بن ابی عمر، قراءات القراء المعروفین، به کوشش احمد نصیف جنابی، بیروت، ۱۴۰۵/۱۹۸۵م؛ بسوی، یعقوب بن سفیان، المعرقة و التاریخ، به کوشش اکرم ضیاء المعری، بغداد، ۱۳۹۴/۱۹۷۲م؛ دانی، عثمان بن سعید، التیسیر، به کوشش اتو برتزل، استانبول، ۱۹۲۰م؛ ذهبی، محمد بن احمد، معرفة القراء الکبار، به کوشش محمد سید جاد الحق، قاهره، ۱۳۸۷/۱۹۶۷م؛ مقدسی، محمد بن احمد، احسن التقاسیم، به کوشش دخویه، لیدن، ۱۹۰۶م؛ مکی بن ابی طالب، الکشف عن وجوه القراءات السبع، به کوشش محیی الدین رمضان، بیروت، ۱۴۰۱/۱۹۸۱م.

بخش علوم قرآنی و حدیث

**ابن رازی**، ابو محمد جعفر بن احمد بن علی قمی، محدث و فقیه امامی در سده ۴ ق/ ۱۰ م. شیخ طوسی (ص ۴۵۷) نام پدر وی را علی ابن احمد آورده است. از جزئیات زندگی او آگاهی چندانی در دست نیست، همین مقدار می‌دانیم که وی ساکن ری بوده است (ابن رازی، جامع الاحادیث، ۳). ابن رازی در آثار خود اسامی جمعی از شیوخ خود را در سلسله اسناد آورده که از آن جمله می‌توان از سهل بن احمد دیباجی، محمد بن همام اسکافی، حسن بن حمزة علوی، صاحب بین عبّاد وزیر آل بویه، شیخ صدوق و ابو عبدالله محمد بن احمد صفوانی یاد کرد. وی از ابوالفضل شیبانی نیز به اجازه روایت کرده است (همو، «المسلسلات»، ۱۰۸). ابن رازی در بعضی از نسخ رجال طوسی توثیق شده (ابن داوود، ۸۶؛ قهپایی، ۳۱/۲؛ قس؛ طوسی، همانجا) و نیز ابن طاووس در الدرر الوقیة او را مدح کرده است (نوری، ۳۰۸/۳). از شاگردان وی تنها محمد بن علی بن احمد بن جعفر دقاق را می‌شناسیم که تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) را از او روایت کرده است (تفسیر، ۹).

**آثار چاپی:** ۱. الاعمال المانعة من دخول الجنة، که به اختصار المانعات نیز گفته می‌شود و مشتمل بر روایاتی است که بیانگر اعمال باز دارنده از ورود به بهشت است؛ ۲. جامع الاحادیث که احادیث به ترتیب حروف الفبا در آن جمع‌آوری شده و مشتمل بر ۱۰۰۰ حدیث نبوی است؛ ۳. العروس که در آن از فضایل و آداب روز جمعه سخن رفته است. این اثر از آن رو عروس نامیده شده که در نخستین حدیث آن (ص ۴۶) کلمه عروس به کار رفته است؛ ۴. الغایات که در آن احادیثی گرد آوری شده که با اقل تفضیل آغاز می‌شود؛ ۵. المسلسلات که در آن برخی اخبار مسلسل گرد آمده است؛ ۶. نوادر الاثر فی علی (ع) خیر البشر که در آن حدیث نبوی «علی خیر البشر» از بیش از ۷۰ طریق جمع‌آوری شده است. این ۶ اثر به صورت

مجموعه‌ای در یک مجلد در تهران (۱۳۶۹ ق) به چاپ رسیده است. **آثار منسوب:** ۱. الامام و المأموم (یا ادب الامام و المأموم) که شهید ثانی (ص ۳۶۳) از آن نقل کرده است (قس؛ خوانساری، ۱۷۲/۲)؛ ۲. دفن المیت، که خود ابن رازی («الغایات»، ۹۸) به آن اشاره کرده است؛ ۳. المنبئ عن زهد النبی (ص) که به اختصار زهد النبی (ص) خوانده می‌شود. این کتاب مورد استفاده ابن طاووس (ص ۱۶۱) و ابن فهد (صص ۲۰ - ۲۱) قرار گرفته است.

مآخذ: ابن داوود حلی، حسن بن علی، الرجال، به کوشش جلال الدین محدث، تهران، ۱۳۴۲ ش؛ ابن رازی، جعفر بن احمد، «الاعمال المانعة...»، «العروس»، «الغایات»، «المسلسلات»، «نوادر الاثر...»، جامع الاحادیث، تهران، ۱۳۶۹ ق؛ ابن طاووس، علی بن موسی، فلاح السائل، تهران، ۱۳۸۲ ق؛ ابن فهد، احمد بن محمد، التحصین، قم، ۱۳۰۶ ق؛ تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)، قم، ۱۴۰۹ ق؛ خوانساری، محمدباقر، روایات الجنات، تهران، ۱۳۸۲ ق/ ۱۹۶۲ م؛ شهید ثانی، زین الدین بن علی، روض الجنان، تهران، ۱۳۰۳ ق؛ طوسی، محمد بن حسن، رجال، نجف، ۱۳۸۰ ق/ ۱۹۶۱ م؛ قهپایی، عنایت الله، مجمع الرجال، قم، ۱۳۸۲ ق؛ نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، تهران، ۱۳۱۸ - ۱۳۲۱ ق.

**ابن راسمندی**، نک: آل صاعد.

**ابن راعی**، محمد بن مصطفی بن خداویردی (۱۱۱۹ - ۱۱۹۵ ق/ ۱۷۰۷ - ۱۷۸۱ م)، کاتب، ادیب و شاعر حنفی مذهب دمشقی، وی در دورانی می‌زیست که نزد نویسندگان معاصر به «عصر انحطاط ادبی» شهرت دارد. آگاهی ما از زندگی وی محدود به آن مختصری است که مُنجد («ترجمه جدیدة»، ۶۹۳ - ۶۹۴) از نسخه خطی سلک الدرر نقل کرده است. به گفته مرادی صاحب سلک الدرر وی در دمشق متولد شد و دانش و هنر نویسندگی را از بزرگان آن دیار فراگرفت و نزد محمد عاصم بن عبدالعطی، یکی از کاتبان بزرگ دمشق، به کمال رسید و در نظم و نثر مهارت یافت. او در نوشتن خطهای گوناگون؛ رقع، دیوانی، سیاق و نسخ چیره دست بود. ابن راعی فارسی و ترکی را به خوبی می‌دانست و قادر بود رسائل دیوانی را به شیوه‌های گوناگون بنگارد. او ضمن اینکه در شمار کاتبان اوقاف حرمین بود، در «باب الدفتری» دمشق به کار «مقاطعه» نیز اشتغال می‌ورزید. وی برای هنر نمایی شعر می‌سرود، در شعر به هجا گرایش داشت و مردم را به زخم زبان خویش می‌آزرد، اما لطیفه‌گویها و نکته پردازهای او نیز همه جا مشهور بود. در اواخر عمر به بیماریهای گوناگون دچار شد و سرانجام در تیره روزی درگذشت. اطلاع ما از اشعار و رسائل فراوانی که وی از خود به جای گذاشته، محدود به کتابی به نام البرق المتألق فی محاسن جلق معروف به محاسن الشام است (بغدادی، ۳۳۱/۲). از این دو عنوان چنین بر می‌آید که مراد نویسنده از جلق همانا شام است و نه منحصرأ محللهای در دمشق، چنانکه فؤاد سید پنداشته است (۲/۳) ۴۵، یا قریه‌ای در نزدیکی آن (قس؛ یاقوت، ۱۵۴/۲)، زیرا ابن راعی در این کتاب که در ۱۱۷۱ ق به پایان رسانده، آنچه را به نثر یا به نظم در مدح دمشق دیده،